

«بسم الله الرحمن الرحيم»

تحلیل رابطه‌ی شمول معنایی فضل در قرآن کریم براساس معناشناسی ساختگرا

چکیده:

بی‌تردید رابطه‌ی شمول معنایی یکی از مهم‌ترین و شناخته‌ترین روابط مفهومی در سطح واژه است و زمانی بین دو واژه برقرار می‌شود که مفهوم یک واژه، چند مفهوم دیگر را در بر می‌گیرد. این رابطه از میان دیگر روابط مفهومی، در روشن‌شدن میدان معنایی واژگان بسیار مهم‌تر است، چراکه می‌تواند فهم دیگر روابط مفهومی را آسان‌تر نماید. واژه‌ی فضل به‌عنوان یکی از صفات بارز خداوند در قرآن کریم، جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش محوری در شکل‌گیری جهان‌بینی اسلامی ایفا می‌کند. از این رو، کشف حوزه معنایی آن در شبکه‌ی معنایی قرآن ضرورت دارد. زیرا با کشف رابطه‌ی شمول معنایی فضل، جایگاه این مفهوم در جهان‌بینی اسلامی مشخص می‌گردد. پژوهش پیش‌رو به روش توصیفی-تحلیلی، براساس معناشناسی ساختگرا و نگرش معناشناسی رابطه‌ای، به تحلیل و تبیین رابطه‌ی شمول معنایی فضل در آیات قرآن کریم به ترتیب نزول پرداخته و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که هسته مرکزی فضل بر مفهوم زیادت و فزونی استوار است و در قرآن کریم از مفهوم لغوی فراتر رفته و طیف گسترده‌ای از معانی را در بر گرفته است. و با واژه‌هایی نظیر؛ ایراث‌الکتاب، الاصطفاء، توفیق‌السبق بالخیرات، دار‌المقامه، علم منطبق‌الطیر، حاضر شدن تخت ملکه‌ی سبأ، تأخیر در عذاب، توحید، هم‌آوایی کوه‌ها و پرندگان با حضرت داود (علیه السلام)، نظام شب و روز، روضات‌الجَنّات، خلود در بهشت و رابطه‌ی شمول معنایی دارد.

واژگان کلیدی:

روابط مفهومی، معناشناسی ساختگرا، رابطه‌ی شمول معنایی، واژه‌های شامل و زیرشمول، فضل

مقدمه:

قرآن کریم، به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان و مهم ترین سرچشمه ی هدایت و کسب معارف دینی، سرشار از مفاهیم ژرف و لایه های متنوعی است که درک دقیق آن ها مستلزم بهره گیری از شیوه های علمی است. از این میان، دانش معناشناسی در کشف روابط معنایی میان واژگان و دستیابی به دقایق معنا، جایگاه خاص و نقش مؤثری دارد. هر یک از مکاتب معناشناسی، رویکردی منحصر به فرد برای تبیین و درک معنا ارائه داده اند. از میان مکاتب مختلف، مکتب پرسابقه ساختگرا، تمرکز بر تحلیل معنایی واژگان و شناخت روابط مفهومی بین آن ها را به عنوان کلیدی برای کشف و فهم معنا دانسته است. بر همین اساس، با نقش مؤثر معناشناسی در کشف روابط میان مفاهیم قرآنی در جهت فهم عمیق تر قرآن و آموزه های دینی، تحلیل و بررسی روابط مفهومی فضل از اهمیت بسزایی برخوردار است.

«علم معناشناسی ساختاری، شاخه ای از علم زبان شناسی است که به بررسی روابط میان اجزای معنایی یک متن می پردازد. این رویکرد که در قرن حاضر با انتشار کتاب «دوره زبان شناسی عمومی» اثر فردینان دو سوسور، زبان شناس برجسته ی سوئیسی مطرح شده، رواج یافته است. و مطالعه ی ساختارهای معنایی زبان در چارچوب مکتب ساختگرا را معناشناسی ساختاری می گویند.» (صفوی، ۱۳۷۳: ۲۱) «معناشناسی ساختاری، شاخه ای از معناشناسی هم زمانی است که توسط فردینان دو سوسور، پایه گذاری شد و به عنوان یکی از پایه های اصلی مکاتب جدید زبان شناسی محسوب می شود.» (جانانان، ۱۳۷۹: ۹۲)

در معناشناسی ساختگرا، سه نگرش اصلی برای معناشناسی واژگانی مطرح شده است: الف) نظریه ی حوزه ی واژگانی، ب) تحلیل مؤلفه ای، ج) معناشناسی رابطه ای. (گیررتس، ۱۳۹۵: ۱۱۳) نگرش سوم یعنی معناشناسی رابطه ای محور پژوهش پیش روست. «معناشناسی رابطه ای، نظریه ای است که به بررسی و تبیین روابط ساختاری میان واژه ها و مفاهیم مرتبط با یکدیگر می پردازد. این نگرش، محدود به واژگان نظری و مفهومی است که در این تبیین مورد استفاده قرار می گیرند.» (گیررتس، ۱۳۹۵: ۱۳۲) از این رو، تحلیل رابطه ای، روش تبیین روابط مفهومی میان واژه های مرتبط با هم را مشخص می کند. شناخته ترین روابط مفهومی عبارتند از: شمول معنایی، هم معنایی، چند معنایی و تقابل معنایی. نگرش سوم یعنی معناشناسی رابطه ای با رویکرد شمول معنایی محور پژوهش پیش رو است.

با توجه به بررسی های به عمل آمده، پژوهش هایی که در مورد فضل نگاشته شده عبارتند از: مریم حسین پور در سال ۱۳۹۴ در پایان نامه معناشناسی فضل در قرآن کریم به راهنمایی دکتر اصغر فرهادی به تبیین جایگاه معنایی واژه ی کانونی فضل به شیوه ی معناشناسی قومی و فرهنگی (مکتب بُن) با الهام از روش ایزتسو پرداخته است. زهرا محمد حسنی در سال ۱۳۹۱، نیز در پایان نامه معناشناسی فضل در قرآن به راهنمایی دکتر سید هدایت جلیلی، معناشناسی واژگانی را در دو حوزه تاریخی و توصیفی بررسی کرده است.

همچنین مقاله ای با عنوان مفهوم شناسی فضل در قرآن و روایات توسط مریم موسوی در سال ۱۳۹۰ انجام شده که به مواردی نظیر مصادیق فضل و عوامل برخورداری و محرومیت از فضل پرداخته است. و پایان نامه سمیه طباطبایی پور با عنوان آموزه فضل الهی از نگاه قرآن به راهنمایی آقای شهاب الدین ذوقفاری، سخن از مفهوم فضل، مشمولین، موانع و آفات دست یافتن و ... به میان آورده است. از میان آثار یاد شده، دو پژوهش اخیر، معناشناسی نبوده بلکه صرفاً تحقیقی در باب فضل است. و تنها دو پایان نامه دیگر که با عنوان معناشناسی فضل تدوین شده، بر اساس بررسی و تحلیل روابط مفهومی فضل با رویکرد معناشناسی ساختگرا نبوده است. بنابراین تحقیق مستقلی درباره معناشناسی فضل با رویکرد شمول معنایی، یعنی تحلیل معنای فضل با نگرش معناشناسی رابطه ای در حوزه ی معناشناسی ساختگرا انجام نشده است. از این رو، انجام پژوهشی مستقل در این خصوص ضرورت دارد و همین رویکرد موجب نوآوری و وجه تمایز مقاله ی حاضر می باشد. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات پیش روست: در آیات قرآن، فضل با چه واژه هایی رابطه ی شمول معنایی دارد؟ این رابطه چه تأثیری بر حوزه ی معنایی فضل داشته است؟

۱- معنای فضل در معاجم لغوی:

دایره ی معنایی وسیع «فضل» و مشتقات آن، بیانگر پرکاربرد بودن این واژه در قرآن کریم است که ۱۰۴ مرتبه در آیات مختلف به کار رفته است. از این تعداد یک مورد به غیر خدا نسبت داده شده است. ۸۴ مرتبه به صورت اسم و ۱۸ مرتبه به صورت فعل ثلاثی مزید و ۲ مرتبه به صورت مصدر در قرآن آمده است.

معاجم لغوی عربی معانی متعددی برای واژه «فضل» برشمرده‌اند. از جمله؛ زیادت (ابن فارس، ماده فضل، ۱۴۰۴: ۴ / ۵۰۸؛ فیومی، ماده فضل، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۷۵؛ طریحی، ماده فضل، ۱۳۷۵: ۵ / ۴۴۳؛ أحمد مختار، ماده فضل، ۱۴۲۹: ۳ / ۱۷۱۹) یا زیادت و بیشتر بودن از حد کفایت، افزون بر کم یا در گذشتن از حد اعتدال در کاری یا چیزی. (راغب، ماده فضل، ۱۴۱۲: ۶۳۹) برتری و نیز فزونی و مقدار زاید بر حد وسط (شریعتمداری، ماده فضل، بی تا: ۳ / ۴۷۱) زیادتی افزون بر مقدار لازم و مقرر است نه مطلق زیادتی و با توجه به این معنا بر واژگانی همچون؛ خیر، شرف، باقیمانده ی چیزی و زیادی مال قابل اطلاق است. (مصطفوی، ماده فضل، ۱۳۶۸: ۹ / ۱۰۶) همچنین به معانی دیگر نظیر؛ برتری و احسان (ابن فارس، ماده فضل، ۱۴۰۴: ۴ / ۵۰۸؛ الشرتونی اللبانی، ماده فضل، ۱۴۱۶: ۴ / ۱۷۶؛ قرشی بنایی، ماده فضل، ۱۴۱۲: ۵ / ۱۸۳) برتری، درجه رفیع، غلبه (ابن منظور، ماده فضل، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۵۲۴) خلاف نقصان و پستی (ابن درید الأزدی، ماده فضل، ۱۹۸۷: ۹۰۷؛ الجوهری الفارابی، ماده فضل، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۷۹۱؛ ابن منظور، ماده فضل، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۵۲۴؛ الحنفی الرازی، ماده فضل، ۱۴۲۰: ۱ / ۲۴۰؛ فیروزآبادی، ماده فضل، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۱؛ حسینی زبیدی، ماده فضل، ۱۴۱۴: ۱۵ / ۵۷۸) باقی مانده چیزی (فراهیدی، ماده فضل، ۱۴۰۹: ۷ / ۴۳؛ محمدبن أحمد بن الأزهري الهروي، ماده فضل، ۲۰۰۱: ۱۲ / 29؛ ابن سیده، ماده فضل، ۱۴۲۱: ۸ / ۲۰۶؛ ابراهیم، ۱۹۸۹: ۲ / 693) نیز آمده است.

بنابراین با عنایت به معانی بیان شده در معاجم لغوی متعدد، می توان گفت معنای اساسی و محوری واژه ی «فضل» زیادت و فزونی است که به عنوان مزیت و برتری محسوب می شود. و در موضوعات مختلف همچون؛ درجه رفیع، غلبه، خیر، عطا و بخشش، سود و منفعت مالی و ... که بیانگر نوعی از مصداق زیادت هستند، کاربرد دارد و همه در راستای همان معنای اساسی قابل تحلیل می باشند. از این رو، این واژه مفهوم گسترده ای دارد و همه ی نعمات الهی را در برداشته و مصادیق متعددی را شامل می شود.

۲- روابط مفهومی و انواع آن

«روابط مفهومی عبارتند از پیوندها و روابطی است که در ساختار معنایی زبان، بین مفاهیم گوناگون در سطح واژگان برقرار است.» (صفوی، ۱۳۸۴: ۵۸) «بر این اساس، واژه ها در متن، به صورت جزیره ای، پراکنده و منفرد نیستند، بلکه در کنار یکدیگر یک شبکه ی معنایی بهم پیوسته و منسجمی را شکل داده که در آن، هر واژه با واژه های دیگر ارتباط مفهومی برقرار کرده و معنای یکدیگر را محدود می کنند. از این رو، واژگان در زبان، به صورت مستقل قابل بررسی نیستند و ساختار واژگانی یک زبان را می توان به مثابه یک شبکه ی پیچیده و گسترده از روابط معنایی دانست که در هر گره ی آن، یک واژه قرار دارد.» (لاینز، ۱۳۵۷: ۱۵۱ - ۱۵۲)

در معناشناسی ساختاری بر اساس روابط مفهومی، افزون بر روابط هم نشینی، روابط جانشینی از اهمیت خاصی برخوردار هستند. روابط مفهومی جانشینی میان اعضای یک مقوله ی دستوری و با جایگزینی آن ها با یکدیگر طرح می شوند. (لاینز، ۱۳۹۱: ۱۸۶) روابط مفهومی بر دو نوع اند: گروهی از آن ها تابع جانشینی و گروهی تابع هم نشینی هستند. «رابطه ی جانشینی میان روابطی مانند شمول معنایی، هم معنایی و تقابل مطرح است که با توجه به استلزام و نقض آن معرفی می شود. (لاینز، ۱۳۵۷: ۱۸۶ - ۱۸۷) و رابطه ی چندمعنایی براساس هم نشینی واژه ها با یکدیگر به دست می آید.

۲-۱ رابطه ی شمول معنایی:

«شمول معنایی (hyponymy) در صورتی برقرار می شود که یک مفهوم با گستره ی معنایی وسیع تر، مفاهیم دیگر را در بر می گیرد. به عنوان مثال، واژه ی «گل» مفهوم واژه های «لاله، سنبل، میخک، رز و ...» را شامل می شود. پس مفهوم «گل» مفهومی کلی تر از مفاهیمی مانند «لاله»، «سنبل» و «میخک» است، چراکه هر یک از این گل های خاص همگی زیرمجموعه ای از مفهوم کلی «گل» هستند. از این رو، به واژه ی «گل» که از دامنه ی معنایی وسیع تری برخوردار است، واژه ی شامل (superordinate) و هر یک از واژگان تحت شمول واژه ی «گل» را واژه ی زیرشمول (hyponym) می نامند. و واژگان «سنبل و میخک و رز» نسبت به هم واژه های هم شمول محسوب می شوند.» (صفوی، ۱۳۸۷: ۹۹ - ۱۰۰)

«با استفاده از رابطه ی منطقی استلزام می توان رابطه ی شمول معنایی را بطور دقیق روشن نمود. به این صورت که صدق یک گزاره با واژه ی زیرشمول، مستلزم صدق همان گزاره با واژه ی شامل است و عکس آن صادق نیست. به عنوان مثال، صدق گزاره ی «این یک لاله است» مستلزم صدق گزاره ی «این یک گل است» خواهد بود، ولی عکس این رابطه برقرار نیست، زیرا وقتی گفته می شود «من یک گل خریدم» لزوماً به این معنی نیست که یک سنبل خریده ام.» (صفوی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۲)

«استلزام رابطه‌ای است که بین دو یا چند گزاره مطرح می شود. به بیان دیگر، یک واژه یا یک جمله، مسبب وقوع واژه یا جمله‌ی دیگری می‌شود.» (لاینز، ۱۳۵۷: ۱۸۸). از این رو، رابطه‌ی شمول معنایی میان شیء و مصادیق آن قابل فرض است. و در ادامه به مفاهیمی که زیرشمول واژه «فضل» قرار گرفتند، پرداخته خواهد شد.

۱- ۱ ایراث (إعطاء) الكتاب و الاصطفاء و توفیق السبق بالخیرات
 «ثُمَّ أَوْثَقْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ
 الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» سوره فاطر / ۳۲

ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ اشاره دارد به این که بعضی مراد از آن را میراث کتاب الهی و برگزیده شدن دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/ ۶۳۹ - میبیدی، ۱۳۷۱: ۸/ ۱۸۷ - آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱/ ۳۷۰) و برخی دیگر معتقدند توفیق السبق بالخیرات بزرگ‌ترین فضلی است که هیچ چیز بر آن برتری ندارد و قابل مقایسه با چیز دیگری نیست. (طوسی، بی تا: ۸/ ۴۳۰) اما برخی میراث را به عنوان وجه مشهور آورده‌اند. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۶/ ۲۳۹)

اما بر اساس غالب دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت می‌توان گفت که مصداق «فضل کبیر»، میراث کتاب الهی، برگزیده شدن و سبقت گرفتن به خیر و نیکی می باشد که در آیه از این مصادیق به عنوان تفضّل بزرگ خدای متعال یاد شده است که شامل حال بندگان خاص شده و اکتسابی نیست.

بنابراین، با توجه به نمونه‌ای که ذکر شد مبنی بر این که صدق عبارت «این یک سنبل است» مستلزم صدق عبارت «این یک گل است» می‌باشد. اما عکس این رابطه برقرار نیست زیرا وقتی گفته شد «من یک گل خریدم» مستلزم این نیست که «من یک سنبل خریده‌ام» در مورد این آیه نیز، از نظر معناشناسی باید گفت بین «فضل کبیر» و «ایراث الکتاب، الاصطفاء و توفیق السبق بالخیرات» رابطه‌ی شمول معنایی وجود دارد. یعنی واژه‌ی «فضل کبیر» شامل و «ایراث الکتاب، الاصطفاء و توفیق السبق بالخیرات» زیرشمول آن هستند. بدین صورت که صحت جمله‌ی (آن یک ایراث الکتاب است) مستلزم صحت جمله‌ی (آن ایراث الکتاب یک فضل کبیر است) خواهد بود، اما عکس آن صادق نیست، یعنی وقتی گفته شود؛ (فضل کبیر داده شد) مستلزم آن نیست که ایراث الکتاب داده شد. در مورد «الاصطفاء» باید گفت صحت جمله‌ی (آن یک برگزیده شدن است) مستلزم صحت جمله‌ی (آن برگزیدگی یک فضل است) خواهد بود، اما عکس آن صادق نیست، یعنی وقتی گفته شود؛ (فضل کبیر داده شد) مستلزم آن نیست که الاصطفاء داده شد. همچنین صحت جمله‌ی (آن یک توفیق السبق بالخیرات است) مستلزم صحت جمله‌ی (آن توفیق السبق بالخیرات یک فضل کبیر است) خواهد بود، اما عکس آن صادق نیست، یعنی وقتی گفته شود؛ (فضل داده شد) مستلزم آن نیست که توفیق السبق بالخیرات داده شده است. بر این اساس، رابطه‌ی استلزام در شمول معنایی رابطه‌ی یک سویه است.

۲- ۱ دَارُ الْمَقَامَةِ (الْجَنَّةِ):

«الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» سوره فاطر / ۳۵

«دارالمقامه المنزل الذی لا خروج منه و لا تعول. والمعنی: الذی جعلنا حالین فی دار الخلود من فضله من غیر استحقاق منا علیه لایمسننا فی هذه الدار؛ دارالمقامه به منزلگاهی ابدی اشاره دارد که هیچ کس از آن خارج نخواهد شد و به جای دیگری نمی‌رود. یعنی همان بهشتی که خدای متعال به فضل خود و بدون این که ما استحقاق و لیاقتی داشته باشیم، به ما ارزانی می‌دارد. جایی است که سراسر آرامش و خوشی و از رنج، درد و مشقت‌های دنیوی رها شده و هر چیزی که بخواهیم در آن وجود دارد و به کمال مطلوب می‌رسیم.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/ ۴۷ - ۴۸) با توجه به شیوه‌ی ذکر شده، در اینجا نیز میان دو واژه‌ی «فضل» و «دارالمقامه» رابطه‌ی شمول معنایی برقرار است. همچنین صحت جمله‌ی (آن یک دار المقامه است) مستلزم صحت جمله‌ی (دارالمقامه یک فضل است) خواهد بود، اما عکس آن صادق نیست. یعنی وقتی گفته شود (فضل داده شد) مستلزم آن نیست که دار المقامه داده شده است.

۲- ۱- ۳ علم مَنْطِقِ الطَّيْرِ

«وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» سوره نمل / ۱۶

در آیه ی شریفه، علم منطق الطیر، یکی از جلوه‌های فضل بی کران الهی است که به حضرت سلیمان (علیه السلام) عطا شده است. و خدای متعال با اعطای این نعمت نشان داده است که او را به فضلی بزرگ و ویژه مفتخر نموده است. زیرا «علامه طباطبایی (ره) معتقد است که علم انبیاء از نوع مطالعه، درس‌خواندن و تلاش نیست؛ بلکه موهبت و کرامت ویژه ی الهی است که به آنان ارزانی شده و کسی نمی‌تواند با تفکر و ممارست به آن دست یابد. و هیچ پیامبری آن را از پیامبران دیگر یا غیر ایشان به ارث نمی‌برد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۴۹)

از این رو، یکی از مصادیق علم ایشان، مَنْطِقِ الطَّيْرِ بوده است. همچنین در ادامه ی آیه آمده است که «أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»، یعنی خدای متعال به حضرت سلیمان (علیه السلام) از همه چیز عطا فرموده است. این جمله نشان می‌دهد که فضل خداوند تنها به فهم زبان پرندگان محدود نمی‌شود، بلکه شامل همه ی نعمت‌ها و موهبت‌های الهی است. «وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛ اعطينا من كل شيء الملك و النبوة و الكتاب و الرياح و التسخير الجن و الشياطين و منطق الطير و الدواب و محاريب و تماثيل و جفان كالجوابی و عين القطر و عين الصفر و انواع الخير؛ فرمانروایی، پیامبری، کتاب، بادهای، به تسخیر در آمدن جن و شیاطین بر سلیمان نبی، زبان پرندگان و چرندگان که حضرت سلیمان (علیه السلام) قادر بود زبان آن‌ها را بفهمد و با آن‌ها ارتباط برقرار نماید، عبادتگاه‌ها، تندیس‌ها و ظروف بزرگ غذا همچون حوض بزرگ آب و چشمه‌های زرد رنگ (معدن مس) و انواع خوبی‌ها، به عظمت و شکوه نعمت‌هایی که خداوند به سلیمان نبی عطا کرده است، اشاره دارد.» (رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱: ۷ / ۱۹۰)

اما فارغ از عبارت «وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»، آنچه در اینجا مدنظر بوده، رابطه ی شمول معنایی میان «فضل» و «منطق الطیر» می‌باشد. با این توضیح که صحت جمله ی (آن علم منطق الطیر است) مستلزم صحت جمله ی (آن علم منطق الطیر یک فضل است) خواهد بود، اما عکس آن صادق نیست، یعنی وقتی گفته شود؛ (فضل داده شد) مستلزم آن نیست که علم منطق الطیر داده شد. هر چند بین عبارت «وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» و «فضل» نیز رابطه ی شمول معنایی برقرار است. «وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» ای اعطینا من كل شيء و «كُلِّ شَيْءٍ» بیان می‌کند که خدای متعال همه چیز را به انسان عطا نموده است. و عبارت «كُلِّ شَيْءٍ» بسیار گسترده است و همه ی موجودات ممکن الوجود را شامل می‌شود، اما از آنجایی که خدای متعال در اینجا درباره ی نعمت‌ها سخن می‌گوید، پس منظور از «كُلِّ شَيْءٍ» فقط چیزهایی است که وقتی به انسان عطا می‌شود، می‌تواند از آنها بهره‌مند شود و لذت ببرد نه هر چیزی. لذا «كُلِّ شَيْءٍ» بر نعماتی نظیر علم، پیامبری، حکومت، توانمندی در قضاوت صحیح و دیگر نعمات مادی و معنوی دلالت دارد. و بیان «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» از زبان حضرت سلیمان (علیه السلام) نشانه شکرگزاری اوست که بدون غرور و تکبر همه نعمت‌ها از آن خدای متعال می‌داند. زیرا عبارات «عَلَّمْنَا» و «أَوْتَيْنَا» بر این حقیقت دلالت دارند. لذا ضمن تأکید این عبارت، می‌گوید تمام این نعمات فضلی آشکار از جانب خدای متعال است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۵۱ - ۳۵۲)

۲- ۱- ۴ حاضر شدن تخت ملکه ی سبأ

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ بِه قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفَكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَبْشُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» سوره نمل / ۴۰

حاضر شدن سریع تخت ملکه ی سبأ، نمونه‌ای دیگر از جلوه‌ای فضل الهی است که بر قدرت، علم و حکمت بی‌انتهای خدای متعال دلالت دارد و نشان می‌دهد که هیچ چیزی برای خداوند غیرممکن نیست. به عبارتی دیگر، این واقعه، نمادی از تسخیر طبیعت و نیروهای آن به دست انسان با اذن خدای متعال است. «فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ؛ أي فلما رأى سليمان العرش محمولاً إليه موضوعاً بين

در آیات ۹۰ و ۱۰۵ سوره بقره و آیه ۵۴ سوره نساء، از اعطای مقام نبوت به عنوان مصداق فضل الهی یاد شد. در این آیه نیز، همان مصداق بیان شده و مقام نبوت از جلوه های فضل خدای متعال است که به پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) عطا شده است. بنابراین رابطه شمول معنایی همچون آیات یاد شده برقرار است که بیان آن در شماره ۱۳ و ۲۲ گذشت.

۱- ۲۷ المحبّة و الذلّة و العزّة و المجاهدة و انتفاء خوف اللومة

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» سوره مائده / ۵۴

جميع صفات حسنه و اخلاق كريمه اى كه در آيه ذكر شده، از مظاهر تفضّل الهی است كه خدای متعال به بندگان شايسته عنايت فرموده است. بر اين اساس ميان واژه ى «فضل» و صفات حسنه (المحبّة و الذلّة و العزّة و المجاهدة و انتفاء خوف اللومة) رابطه ى شمول معنایی وجود دارد. يعنى صحت جمله ى (آن يك محبة است) مستلزم صحت جمله ى (آن محبة يك فضل است) خواهد بود، اما عكس آن صادق نيست، يعنى وقتى گفته شود؛ (فضل داده شد) مستلزم آن نيست كه محبة داده شد. همين رابطه، ميان «فضل» و «الذلّة و العزّة و المجاهدة و انتفاء خوف اللومة» نيز برقرار است.

نتایج حاصل از این مقاله به شرح ذیل است:

- ۱- مفهوم فضل در معنای اساسی خود بر محور یک مؤلفه‌ی ثابت و هسته مرکزی استوار است. و در تمام کاربردهای آن لحاظ شده است. و حوزه‌ی معنایی فضل در رابطه‌ی شمول معنایی بر طبق این مؤلفه تعیین می‌شود.
- ۲- «زیادت و فزونی» مؤلفه و هسته‌ی معنایی است که در معنای لغوی فضل در نظر گرفته شده است.
- ۳- رابطه‌ی مفهومی شمول معنایی بین فضل و مفاهیم مرتبط با آن وجود دارد. واژه‌ی فضل در آیات متعدد و به ترتیب نزول با واژگانی همچون؛ ایراث‌الکتاب، الاصطفاء، توفیق‌السبق بالخیرات، دار‌المُقامه، علم مَنْطِقِ الطَّيْرِ، حاضر شدن تخت ملکه‌ی سبأ، تأخیر در عذاب، توحید، هم‌آوایی کوه‌ها و پرندگان با حضرت داود (علیه السلام) و نرم شدن آهن، نظام شب و روز، روضات‌الجَنّات، اراده، إعطای کتاب به داود (علیه السلام)، تنعم و خلود در بهشت و وقایه از عذاب جحیم، رزق، وحی، نبوت، عفو، إحيای مجدد مردگان، دفع فساد، تکلیم، بینات، روح القدس، فرقان، تکفیر گناهان، غفران، هدایت، عفو و بخشش، عافیت و سلامتی، همنشینی با برگزیدگان، مغفرت، بهشت، حبّ ایمان، کراهت کفر، المحبّة و الذلّة و العزّة و المجاهدة و انتفاء خوف اللومّة، رابطه‌ی شمول معنایی دارد.
- ۴- با بررسی آیاتی که واژه‌ی فضل در آن‌ها به‌کار رفته، مشخص شد که واژه‌ی فضل از جمله مفاهیم عامی است که فراتر از معنای قاموسی خود، در شبکه‌ی معنایی قرآن کریم وسعت یافته و مصادیق و معانی متعددی زیر شمول آن قرار گرفتند.

منابع:

* قرآن كريم

[١] آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبد الباری عطیه، چاپ اول، ١٦ جلدی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ١٤١٥ ق

[٢] ابن فارس، أحمد بن فارس، (١٤٠٤ق) معجم المقاییس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامی.

[٣] الشرتونی اللبناني، سعید، الأقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ٥ جلدی، الطبعة الأولى، بی جا: الأسوه، ١٤١٦.

[٤] ابن منظور، محمد بن مکرم، (١٤١٤ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.

[٥] ابن درید الأزدی، أبو بکر محمد بن الحسن، (١٩٨٧م)، جمهرة اللغة، المحقق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.

[٦] الجوهری الفارابی، أبو نصر إسماعیل بن حماد ، (١٤٠٧ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة ، تحقیق عطار، احمد عبدالغفور ، بیروت: نشر دار العلم للملایین.

[٧] الحنفی الرازی، زین الدین أبو عبد الله محمد بن أبی بکر بن عبد القادر ، (١٤٢٠ق)، مختار الصحاح، المحقق یوسف الشیخ محمد، بیروت — صیدا: المكتبة العصرية — الدار النموذجية.

[٨] الأزهری الهروی، أبو منصور محمد بن أحمد، (٢٠٠١م)، تهذیب اللغة، المحقق: محمد عوض مرعب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

[٩] ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل، (١٤٢١ ق)، المحکم والمحیط الأعظم، المحقق: الدكتور عبد الحمید الھنداوی، بی جا: دار الکتب العلمیة.

[١٠] ابراهیم، مصطفی، (١٩٨٩ م)، المعجم الوسیط، استانبول — ترکیه: دار الدعوه.

[١١] ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسیر أنیسعود (إرشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم)، ٩ جلدی، بیروت — لبنان: دار إحياء التراث العربی، بی تا.

[١٢] أحمد مختار، عبد الحمید عمر، (١٤٢٩ هـ)، معجم اللغة العربیة المعاصرة، قاهره — مصر: عالم الکتب.

[١٣] ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی جا، ٣٠ جلدی، بی جا، بی تا.

[١٤] بیضاوی، عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، چاپ اول، ٥ جلدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤٠٨ ق.

- [۱۵] حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- [۱۶] حسینی همدانی، محمد حسین، (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی.
- [۱۷] حسینی شاه عبد العظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات
- [۱۸] راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، دار القلم - الدار الشامیة، بیروت، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- [۱۹] زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، ۴ جلدی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- [۲۰] شریف لاهیجی، محمد بن علی، (۱۳۷۳ ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دفتر نشر داد.
- [۲۱] شریعتمداری، جعفر، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، چاپ چهارم، ۴ جلدی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، بی تا.
- [۲۲] صفوی، کورش، (۱۳۸۷ ش)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- [۲۳] -----، (۱۳۸۴ش)، فرهنگ توصیفی معناشناسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- [۲۴] -----، (۱۳۷۳ ش)، از زبان شناسی به ادبیات، تهران: نشر چشمه.
- [۲۵] طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۶] طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو.
- [۲۷] -----، (۱۳۷۷ ش)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- [۲۸] طیب، عبد الحسین، (۱۳۷۸ ش)، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- [۲۹] طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- [۳۰] طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بی جا، ۱۰ جلدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- [۳۱] فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
- [۳۲] فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- [۳۳] فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ ق)، قاموس المحيط، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیة.
- [۳۴] فخر الدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، ۳۲ جلدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- [۳۵] قرشی بنایی، علی اکبر، تفسیر أحسن الحديث، (۱۳۷۷ ش)، تهران: بنیاد بعثت.

- [۳۶] ----- (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
- [۳۷] كالر، جاناتان، (۱۳۷۹ ش)، فردينان دو سوسور، ترجمه كوروش صفوى، تهران: نشر هرمس.
- [۳۸] گيررتس، ديرك، (۱۳۹۵ ش)، نظريه هاى معناشناسى واژگاني، ترجمه كوروش صفوى، تهران: انتشارات علمى.
- [۳۹] لاینز، جان، (۱۳۵۷ ش)، چومسكى، ترجمه ى احمد سمیعی، خوارزمی، تهران: بی نا.
- [۴۰] ----- (۱۳۹۱ ش)، درآمدى بر معناشناسى زبان، ترجمه ى كوروش صفوى، تهران: نشر علمى.
- [۴۱] مكارم شيرازى، ناصر، (۱۴۲۱ ق)، الأمثل فى تفسير كتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام على بن ابیطالب.
- [۴۲] مصطفوى، حسن، (۱۳۸۰ ش)، تفسير روشن، تهران: مركز نشر كتاب.
- [۴۳] ----- ، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، ۱۴ جلدی، چاپ اول، تهران : ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۶۸ش.
- [۴۴] ميبدى، احمد بن ابى سعد رشيدالدين، (۱۳۷۱ ش)، كشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقيق على اصغر حكمت، تهران: اميركبير.